

علمی پژوهشی

فرا تحلیل موانع اجتماعی صنعتی شدن ایران (بررسی مطالعات صورت گرفته بین سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵)

مهدی جلالی*^۱، پریسا شکوری^۲

چکیده

صنعتی شدن، از پدیده های ضروری جوامع است. به رغم تلاش های صورت گرفته برای صنعتی شدن، موفقیت های چندانی نسبت به کشورهای صنعتی در ایران حاصل نشده است. تحقیقات انجام گرفته در این زمینه می توانند موانع رشد صنعتی ایران را بیان و راهکارهایی را برای برطرف کردن آن ها فراهم کنند. با توجه به این امر، هدف تحقیق حاضر، بررسی تحقیقاتی بود که در این زمینه صورت گرفته اند. در راستای تحقق این هدف، ۲۲ مقاله مرتبط با موضوع پژوهش، انتخاب گردید و با استفاده از روش فراتحلیل به بررسی این پژوهش ها پرداخته شد. یافته ها نشان داد که اختلال توزیعی و بعد از آن اختلال هنجاری، بیشترین مانع رشد صنعت در ایران بوده اند. همچنین مشکلاتی که بر سر راه خصوصی سازی قرار دارد، مشکلات صادرات و ناکارآمدی دولت و حکومت از مواردی بودند که تأکید زیادی بر آن ها شده بود. این موانع، مسائل بنیادینی هستند که نیاز به برنامه ریزی بلندمدت و تغییراتی اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور دارند.

تاریخ دریافت:

۲۹ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۰۲ اسفند ۱۴۰۴

کلیدواژه ها:

توسعه؛ صنعتی شدن؛
فرا تحلیل؛ ایران؛ ساختار
اقتصادی و سیاسی

مقدمه

عباس میرزا، از شاهزادگان قاجار و فرمانده جنگ های ایران و روسیه، در دیدار با ژوبر^۳، دیپلمات فرانسوی، از وی علل پیشرفت غربیان و عقب ماندگی ایران را جويا شد و پرسید «آنچه قدرتی است که شما را تا این اندازه از ما برتر ساخته است؟ دلایل پیشرفت شما و ضعف ثابت ما کدام است؟» (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۲۳؛ نصری، ۱۳۸۶). این پرسش عباس میرزا همواره دغدغه ذهنی اندیشمندان بسیاری از زمان قاجار تاکنون بوده است و هر کدام از این اندیشمندان سعی بر آن داشته اند

^۱دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mahdi_jalali_aze@yahoo.com

^۲دانش آموخته کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد، تبریز، ایران. parisashakouri76@gmail.com

^۳ Pierre Amedee Jaubert

که از دیدگاه خود به این سؤال پاسخ گویند. علاوه بر دلایل متعددی که به این مسأله اشاره شده، برخی از اندیشمندان علت عقب‌ماندگی ایرانیان را در عدم دستیابی به صنعت روز ذکر کرده‌اند. آن‌ها همواره به موانعی اشاره کرده‌اند که بر سر راه صنعتی‌شدن ایران بوده است. صنعت، نقش بسزایی در دستیابی ملت‌ها به آسایش و رفاه اقتصادی بازی کرده و طی دهه‌های اخیر، استراتژی‌های صنعتی، مسیر توسعه اقتصادی کشورها را هموارتر نموده است. مهم‌ترین دلیل رشد اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی بسیاری از کشورها، توسعه صنعتی آن‌ها بوده است. بخش صنعت، محرک اصلی رشد، موفقیت و نوآوری کشورها محسوب می‌شود. اگر کشوری بتواند خود را به سطح بالایی از صنعت برساند، خواهد توانست از مزیت‌های صنعتی‌شدن نیز بهره‌مند شود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۳).

صنعتی‌شدن به منزله طریقه خاصی از سازمان‌دهی تولید است که متضمن فرآیند ثابتی از تغییر فنی و اجتماعی است و به‌طور پیوسته توانایی جامعه را جهت تولید گستره وسیعی از کالاها افزایش می‌دهد (هیویت و همکاران، ۱۳۷۷). توسعه صنعت و فرآیند صنعتی‌شدن برای جامعه ضروری است. آنچه که در جهان امروز از برخورد با اصطلاح کشورهای صنعتی به ذهن متبادر می‌شود، تنها مجموعه‌ای از کارخانجات و ماشین‌آلات صنعتی نیست، بلکه شکل ویژه‌ای از سازمان‌دهی مدرن در گردش امور در حوزه‌های مختلف است که نتیجه آن به‌صورت تحقق نرخ‌های رشد اقتصادی بالا، افزایش چشم‌گیر سطح درآمد، رشد و پیشرفت تکنولوژی و ایجاد روش‌های نوین تولید، افزایش بهره‌وری، رشد مهارت‌ها و توانمندی‌های علمی و فنی نیروی انسانی، ایجاد فرصت‌های اشتغال مولد و پایدار، دیوان‌سالاری در خدمت تولید، محوریت بخش خصوصی در توسعه صنعتی و برقراری مناسبات سیاست خارجی با هدف توسعه صنعتی قابل مشاهده است (خلیلی، ۱۳۸۵: ۳۶). بومر معتقد است که رشد بخش صنعت، تقاضا برای خدمات گوناگون را نیز افزایش می‌دهد؛ با توسعه صنعت و هم‌افزایی‌های ناشی از آن، دولت‌ها این امکان را می‌یابند تا مالیات‌های بیشتری اخذ کنند و به گسترش آموزش، بهداشت، تأمین بهتر نظم و امنیت و ارائه خدمات عمومی بپردازند (حمزئی، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

تجربه نشان داده که ایجاد اشتغال مولد و پایدار، ارتقاء درآمد، سطح بالای استاندارد زندگی، تأمین رفاه مردم جامعه و همچنین بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع صرفاً از راه صنعتی‌شدن امکان‌پذیر است (خلیلی، ۱۳۸۵: ۳۷). صنعتی‌شدن، تغییرات بنیادی در ساختار جامعه پدید می‌آورد؛ مهم‌ترین دگرگونی این است که در جامعه صنعتی، بیشتر مردم در شمول کارپذیران قرار می‌گیرند (توسلی، ۱۳۹۲: ۹۰). در جهان کنونی، هر اندازه که یک کشور از صنعت روز دور بماند، دچار مشکلات متعددی می‌شود. از جمله این مشکلات عبارت است از: فاصله گرفتن از توسعه (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۷) تضعیف صنعتگران بومی، گسترش فقر و نابرابری (خلیلی، ۱۳۸۵: ۳۸)، اختلال در نظم اجتماعی (چلبی،

۱۳۷۵: ۱۸۰)، عقب‌ماندگی و وابستگی کشور. با توجه به همین عوامل و همچنین اثرگذاری گسترده‌ای که صنعتی‌شدن بر جامعه می‌گذارد، اهمیت تحقیق حاضر در این است که به بررسی تحقیقات صورت گرفته در این زمینه بپردازد و بتواند با ترکیب یافته‌های تحقیقات مختلف، به افق‌های جدیدی در زمینه موانع اجتماعی صنعتی‌شدن ایران دست پیدا کند. علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که برای صنعتی‌شدن ایران صورت گرفته، این کشور نتوانسته خود را با صنعت روز هماهنگ سازد و تبدیل به کشوری صنعتی شود. همواره دلایل مختلفی برای عدم صنعتی‌شدن ایران بیان شده است. تبدیل شدن پیشرفت و توسعه ایران به اولویت مهم کشور نیازمند آسیب‌شناسی یا دلیل‌شناسی این موضوع است. برخی تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته‌اند، هرچند اندک می‌باشند، ولی می‌توانند موانع رشد صنعتی ایران را بیان کنند و راهکارهایی برای یافتن زمینه‌ها، دلایل و پیامدهای عدم رشد صنعتی فراهم آورند.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و مقایسه یافته‌های مجزای پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه موانع صنعتی‌شدن و نیز ایجاد ارتباط بین مطالعات و به دست آوردن نتیجه‌ای منسجم از همین نتایج پراکنده مطالعات است تا به کمک آن‌ها موانع اصلی صنعتی‌شدن شناسایی گردد. مقالات و پژوهش‌های انتخابی در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱ قرار دارند. با توجه به این امر، سؤال اصلی که محقق در پی پاسخ‌گویی به آن در این تحقیق است، به قرار زیر می‌باشد:

"مهم‌ترین موانع اجتماعی صنعتی‌شدن ایران چه چیزی می‌باشد؟"

ادبیات پژوهش

در این بخش، به ادبیات پژوهش پرداخته می‌شود و علاوه بر تعریف مفهوم صنعتی‌شدن، پیشینه و چارچوب نظری ارائه می‌گردد و مدل مفهومی تحقیق، ترسیم می‌شود.

تعریف مفاهیم

تعاریف متعددی از صنعتی‌شدن صورت گرفته که در جدول زیر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱. تعاریف مختلف صنعتی شدن

منبع	تعریف
هیویت و همکاران، ۱۳۷۷	صنعتی شدن به منزله‌ی طریقه‌ی خاصی از سازمان‌دهی تولید است که متضمن فرآیند ثابتی از تغییر فنی و اجتماعی است و به‌طور پیوسته توانایی جامعه را جهت تولید گستره‌ی وسیعی از کالاها افزایش می‌دهد.
توکلی، ۱۳۹۰	اصطلاح صنعتی شدن به پیشرفت اقتصادی ادامه‌داری اشاره دارد که به دنبال کاربرد منابع نیروی غیرجاندار برای ماشینی کردن تولید ایجاد شده است.
کیویستو، ۱۳۸۶	تحولات فناورانه، شیوه‌های جدید کنترل اجتماعی و شیوه‌های بدیع سازمان‌دهی فعالیت‌های تولیدی
واتسون، ۲۰۰۸	آن نوع فعالیت صنعتی است که با تولید کالا و خدمات و استفاده از تجهیزات صنعتی، سروکار دارد و در بستر شرکت‌ها، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، صنایع سبک و سنگین عمل می‌کند.

صنعتی شدن پدیده‌ای پیچیده و چندجانبه است؛ به همین دلیل نظریات متعددی درباره‌ی آن ارائه شده است. با توجه به دیدگاه جامعه‌شناسان مختلف درباره‌ی صنعتی شدن، می‌توان مهم‌ترین عناصر موجود در نظریات آن‌ها را استخراج کرد و یک مفهوم کلی و جامع از صنعتی شدن ارائه داد. در تعریفی که اکبری قمصری از صنعتی شدن ارائه داده، می‌توان بیشتر این عناصر را یافت:

«صنعتی شدن، جریانی پیچیده و چندبعدی از تغییراتی است که در طول زمان به وقوع می‌پیوندد، به‌گونه‌ای که بنیان‌های اقتصادی جامعه را از کشاورزی به تولید صنعتی تغییر داده و زندگی روزمره‌ی هر یک از اعضای جامعه، تحت تأثیر استفاده از تکنولوژی و ماشین قرار می‌گیرد» (Akbari Ghamsari, 2013: 25).

پیشینه تحقیق

در تحقیقات پیشین، از جنبه‌های مختلف به موانع صنعتی شدن ایران اشاره شده است. برخی از محققین، به عوامل تاریخی توجه داشته‌اند و بر مسائلی چون نبود پیش‌نیازهای توسعه صنعت و ساختار دولت متمرکز مخصوصاً در دوره قاجار تأکید کرده‌اند (زیباکلام، ۱۳۸۲؛ فیوضات، ۱۳۷۰). برخی دیگر از پژوهشگران بر نوع مالکیت کسب‌وکارها اشاره کرده‌اند و مسائلی مثل دولتی شدن اقتصاد (فاضلی، ۱۳۸۹) خصوصی‌سازی وابسته (رزاقی، ۱۳۷۲) را مطرح کردند. برخی دیگر از محققان این حوزه بر راهبردهای توسعه صنعتی اشاره کرده‌اند و بیان می‌کنند که از موانع مهم صنعتی شدن ایران، استفاده از استراتژی جایگزینی واردات است؛ در صورتی که برای صنعتی شدن می‌بایست استراتژی توسعه صادرات مدنظر می‌بود

(عیسوی، ۱۹۸۰؛ نیلی و همکاران، ۱۳۸۲؛ فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶). پژوهشگران دیگری نیز به مسأله سرمایه‌گذاری اشاره کرده‌اند. این محققان عدم موفقیت ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی را از عمده دلایل ناکامی در صنعتی‌شدن بیان کرده‌اند (وکیل‌الرعیایا، ۱۳۸۳؛ فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ کاکاوند و همکاران، ۱۳۸۵). برخی از جامعه‌شناسان، وابستگی ایران را به درآمد نفت از جمله موانع صنعتی‌شدن ایران ذکر کرده‌اند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶). عدم توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲؛ بافنده‌زنده و همکاران، ۱۳۹۴)، عدم توجه به توانمندسازی اقتصادی روستاها (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹)، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵)، رقابت‌های جناحی و اختلافات ایدئولوژیک (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵) از دیگر موانع مهم اشاره شده توسط محققین هستند که بر سر راه صنعتی‌شدن ایران قرار دارد.

در تحقیقات پیشین، مطالعات پراکنده‌ای از فرآیند صنعتی‌شدن ایران صورت گرفته است. مطالعه حاضر تلاش دارد با ترکیب این مطالعات، به نتایجی جامع دست پیدا کند که خلأ تحقیقاتی موجود در زمینه موانع اجتماعی صنعتی‌شدن را در ایران برطرف کند.

چارچوب نظری

چلبی (۱۳۷۵: ۱۰۵)، از اختلال‌های اجتماعی نام می‌برد که نظم اجتماعی را به خطر می‌اندازند. به‌وجود آمدن اختلال اجتماعی، بر سایر بخش‌های جامعه، از جمله صنعت اثر می‌گذارد. وی، چهار نوع اختلال اجتماعی را تشخیص می‌دهد که عبارت‌اند از: اختلال هنجاری، اختلال رابطه‌ای، اختلال توزیعی و اختلال نمادی. چلبی معتقد است که اختلال هنجاری، تقریباً همان چیزی است که دورکیم آن را آنومی اجتماعی می‌نامد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). وی پنج نوع اختلال هنجاری را از همدیگر تفکیک می‌کند: (۱) قطبی شدن هنجاری؛ (۲) تضاد هنجاری؛ (۳) ناپایداری هنجاری؛ (۴) ضعف هنجاری و (۵) بی‌هنجاری (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۲). قطبی شدن هنجاری، وضعیتی است که در آن توزیع جمعیت براساس میزان فشار هنجاری دوکوهانه باشد. قطبی شدن هنجاری می‌تواند سرمنشأ بروز اختلاف و تضاد در میان دو اکثریت از جمعیت باشد که هرکدام به یک امر واحد، دو نوع نگاه متضاد دارند (همان: ۱۱۴-۱۱۳). در تضاد هنجاری، برای بعضی امور اجتماعی دو هنجار یا دو مجموعه هنجار متضاد وجود دارد (همان: ۱۱۵-۱۱۴). منظور از ناپایداری هنجاری، تناقض منطقی بین دو یا چند هنجار در یک نظام اجتماعی است (همان: ۱۱۷). مراد از ضعف هنجاری، نقصان علقه اجتماعی و تعهد نسبت به هنجار در میان اکثریت افراد جامعه است. نتیجه ضعف هنجاری، پایین بودن فشار هنجاری و در نتیجه عدم اجرای هنجارها در

جامعه است (همان: ۱۱۸). منظور از بی‌هنجاری، وضعیتی است که انجام امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت پذیرد. تغییرات و نوآوری‌های سریع ممکن است خلأ هنجاری و تأخر هنجاری ایجاد نمایند (همان: ۱۱۹).

اختلال نمادی، دومین نوع از اختلالات اجتماعی چهارگانه است. مراد از اختلال نمادی، ضعف در احساسات، پنداشت‌ها، رموز و اصول مشترک است. به عبارت دیگر، اختلال نمادی چیزی جز نارسایی در سمبولیسم اظهاری و سمبولیسم شناختی مشترک در سطح جامعه نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). سمبولیسم اظهاری، به احساسات و پنداشت‌های مشترک اشاره دارد.

مراد از اختلال رابطه‌ای، پایین‌بودن میزان: ۱- چگالی روابط اجتماعی (نسبت روابط موجود بین جمعیت کنش‌گران به روابط ممکن بین آن‌ها)؛ ۲- قرینگی روابط اجتماعی (نسبت روابط دوجانبه موجود بین کنش‌گران در یک نظام نسبت به روابط یک‌جانبه بین آن‌ها)؛ ۳- تعدد روابط اجتماعی (میزان وجود ابعاد چهارگانه روابط اجتماعی؛ یعنی روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عاطفی، و میزان زیرمجموعه هریک از آن‌ها در شبکه روابط اجتماعی نظام)؛ ۴- شدت روابط اجتماعی (میزان فراوانی روابط اجتماعی بین کنش‌گران در یک نظام) و ۵- تنوع گره‌ها و موجودیت‌ها (پراکنش نوع گره‌ها به‌ویژه پراکنش نوع هویت‌های جمعی مثل سازمان‌ها و گروه‌ها، در شبکه روابط اجتماعی یک نظام) در روابط اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۴۷). اختلال رابطه‌ای را می‌توان در هرکدام از حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد.

چلبی در بحث از اختلال توزیعی، از چهار نوع نابرابری نام می‌برد: موضعی، بیرونی، بخشی و فضایی (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸۰). وجود هرکدام از این نابرابری‌ها، نشان از اختلال توزیعی در جامعه دارد. مراد از نابرابری موضعی، توزیع متراکم منابع ارزشمند در مواضع راهبردی و بانفوذ است (همان: ۱۸۰). ابعاد نابرابری موضعی عبارت است از تراکم ثروت مادی، تراکم قدرت، تراکم منزلت و تراکم سرمایه فرهنگی. نابرابری‌های بیرونی براساس شرایط اجتماعی تولد بر افراد اعمال می‌شود؛ یعنی آنچه که امروزه از آن تحت عنوان پایگاه محول یاد می‌شود (همان: ۱۹۴). در نابرابری بیرونی، آحاد جامعه براساس ویژگی‌های محولی چون سن، جنس، قومیت، نژاد و طبقه در مواضع مختلف اجتماعی توزیع شده‌اند (همان: ۱۹۵). نابرابری بخشی به صورت گوناگون مفهوم‌سازی شده است و حداقل پنج نوع تقسیم بخشی را می‌توان از هم تمییز داد: ۱- تقسیم بخشی براساس شکل مالکیت (بخش خصوصی و بخش عمومی)؛ ۲- تقسیم بخشی براساس مشارکت خارجی (فراملی و بومی)؛ ۳- تقسیم بخشی براساس تجدد (جدید و سنتی)؛ ۴- تقسیم بخشی براساس شیوه تولید (سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری)؛ ۵- تقسیم بخشی براساس نوع فعالیت (خدماتی، کشاورزی، صنعتی) (همان: ۱۹۹-۱۹۸). منظور از نابرابری

فضایی نیز، توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضا است. اشکال قابل رؤیت نابرابری فضایی در کشورهای در حال توسعه عبارت است از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری بین مناطق محروم و برخوردار (همان: ۲۰۱).

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع فراتحلیل است. فراتحلیل نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های تحقیقات دیگر در زمینه یک موضوع را به‌عنوان داده استفاده می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). دلیل انتخاب روش فراتحلیل، این است که با تحلیل مطالعات انجام گرفته به بینشی جدید و فراتر از آنچه که در مطالعات فردی حاصل شده است، دست یافت. بر همین اساس، طی گام‌های مختلف، تحقیق صورت پذیرفت. نخست سؤال تحقیق طرح شد که عبارت بود از "مهم‌ترین موانع اجتماعی صنعتی شدن ایران چه چیزی می‌باشد؟".

در گام دوم، با توجه به عبارت کلیدی تحقیق، یعنی "صنعتی‌شدن و موانع آن"، به جست‌وجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی "مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی"، "پایگاه تخصصی مجلات نور" و "پرتال جامع علوم انسانی" پرداخته شد. در گام سوم، به تحلیل و بررسی مقالات مرتبط با موانع صنعتی شدن پرداخته شد. معیار انتخاب مقالات عبارت بودند از: عنوان تحقیق، روش پژوهش، زبان پژوهش، انتشار کامل مقالات، زمان انتشار مقالات در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵، درجه بالای نشریات منتشرکننده پژوهش. از میان ۲۱۴ مقاله جمع‌آوری شده، با گزینش و غربال، مقالات غیرمرتبط حذف و ۲۲ مقاله جهت مطالعه انتخاب شدند. در گام چهارم، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته شد و با بازخوانی یافته‌ها در هر مقاله، به تدریج به سمت تحلیل یافته‌ها پیش رفت و یافته‌های مشابه و متفاوت، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. کدهایی که به یک مضمون مرتبط می‌شدند، با هم تلفیق شدند و یک دسته را تشکیل دادند. در گام آخر، مضامین اصلی و فرعی موانع اجتماعی صنعتی شدن ایران شناسایی و ارائه شدند.

یافته‌ها

با جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌های موجود، موانع صنعتی‌شدن در چهار دسته جای گرفتند که هرکدام دارای چندین معرف بودند. در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

اختلال هنجاری

شروع صنعتی شدن را در ایران، در دوران قاجاریه می‌توان یافت. با گسترش ارتباطات در سطح جهان، ایرانیان زیادی به‌عنوان دیپلمات، بازرگان، محصل و معدودی به‌منظور سیاحت برای نخستین بار راهی خارج شدند. به‌علاوه هزاران ایرانی دیگر نیز برای کار و امرار معاش بهتر راهی امپراطوری‌های روسیه، عثمانی و هند شدند. این افراد با جوامعی آشنا شدند که هیچ شباهتی با ایران عقب‌مانده عصر قاجار نداشت. آنان به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، بین این جوامع و ایران آن روز به مقایسه پرداختند (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۲۰). از دوره قاجاریه، برخی‌ها زیربنای ترقی و پیشرفت اروپا را استفاده از علوم و دانسته‌های مدرن می‌دانستند. برخی نیز نهادهای اجتماعی و شیوه حکومت را سبب موفقیت اروپاییان می‌دیدند. برخی نیز معتقد بودند باید سراسر غربی بود. کم‌کم تفکرات چپ نیز در ایران ظهور کرد و برخی مطرح کردند که استعمار عامل عقب‌ماندگی ایران است. بعضی‌ها هم به سکولاریزم روی آوردند و خواهان کنار گذاردن مذهب از صحنه سیاست شدند. بعضی‌ها نیز اسلام را سبب عقب‌ماندگی ایران می‌دانستند و چیرگی اسلام در ایران و ازبین‌رفتن نژاد پاک آریایی را سبب عقب‌ماندگی ایران می‌دانستند (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۳).

برخی از صاحب‌نظران دلیل عقب‌ماندگی صنعتی ایران را نسبت به برخی کشورها مانند کره، تایوان، سنگاپور، مالزی و حتی ترکیه ساختار دولت متمرکز به‌رغم اعلام صوری حکومت مشروطه در دوران بعد از مشروطیت می‌دانند که به‌ویژه در دوران پهلوی و رشد اقتصاد نفتی، به رقیب بخش خصوصی مبدل شد (فیوضات، ۱۳۷۰: ۳۷).

اقدامات رضاشاه در زمینه حذف زمین‌داران و جایگزین کردن درباریان و نظامیان به‌جای آن‌ها، هم دامنه فعالیت بورژوازی صنعتی را در ایران محدود کرد و هم سبب شد بورژوازی موجود به‌شدت به دولت وابسته باشد (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). حرکت‌هایی که در زمان رضاشاه انجام گرفت با اینکه زمینه‌هایی را برای آماده‌کردن کشاورزی، صنعتی و خدماتی متناسب با زمان ایجاد کرد، نسنجیده و متکی به جبر حکومتی و بدون اعتنا به پشوانه مردمی بود؛ در نتیجه از اعتماد و احترام مردم که لازمه جامعیت هر تحولی است، محروم بود؛ از این‌رو حرکات هم تداوم نیافت و راکد ماند (خسروی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۳). با اشغال شدن ایران در دوران جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن محمدرضاشاه، صنعتی‌سازی آغاز شد، ولی با انعقاد قرارداد نفتی و افزایش استخراج و صادرات نفت، سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی در کشور شتاب گرفت (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

بسیاری از جامعه‌شناسان به بررسی عدم تحقق صنعتی شدن در ایران پس از انقلاب اسلامی نیز پرداخته‌اند. یکی از دیگر مواردی که بر آن تأکید شده، عدم موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری، مخصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی است. عوامل

مؤثر در سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان به قرار زیر بیان کرد: الف) عوامل مؤثر در سرمایه‌گذاری خارجی: سود و بازدهی، مالیات‌ها، انگیزه‌های اقتصادی، مالی و فنی، اختلاف نرخ بهره، دگرگونی قیمت‌های داخلی، انتقال بین‌المللی و حق ثبت بین‌المللی؛ ب) عوامل حمایتی برای سرمایه‌گذاری خارجی: بیمه سرمایه‌گذار، بازارهای پولی و مالی مناسب، قوانین سهل، حمایت‌های دولت، سیاست‌های تجاری و حمایت از صنایع؛ پ) مشوق‌ها و الزامات سرمایه‌گذاری خارجی: حق مالکیت، تضمین ملی نشدن تحت هیچ شرایطی، آزاد بودن انتقال وجوه درآمد بعد از اخذ مالیات به خارج از کشور، افزایش کیفیت نیروی کار، زدودن قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، جبران خسارات در صورت اقدامات نامناسب دولت، حمایت‌های همه‌جانبه قانونی، معافیت مقررات و قوانین مالیاتی، کارآیی بازارهای سرمایه (وکیل‌الرعايا و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۵). علاوه بر موارد ذکر شده، می‌توان به بوروکراسی دست‌وپاگیر اشاره کرد که طولانی‌شدن فرآیند رسیدگی به درخواست‌ها، تداخل قوانین و مقررات از سوءکارکردهای مهم بوروکراسی برای سرمایه‌گذاری صنعتی است (کشاورزبان پیوستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۲). از دیگر موانع حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان به الف) منع امتیاز دادن به بیگانگان؛ ب) منع استخدام بیگانگان؛ پ) محدودیت‌های سازش نسبت به دعاوی یا ارجاع آن‌ها به داوری اشاره کرد (عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی را در ایران به قرار زیر می‌توان بیان کرد: موانع پیوستن دولت به ارگان‌های سرمایه‌گذاری خارجی مانند مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه، مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری و سازمان تجارت جهانی، گروه ویژه اقدام مالی، زمینه‌های فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و موانع سیاسی (وکیل‌الرعايا و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۶). عضویت در این سازمان‌ها، موانع تجاری بین کشورهای عضو را تا حد بسیار زیادی کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، سهم بخش صنعتی در سرمایه‌گذاری ملی بسیار اندک و تحت تأثیر کاهش بهره‌وری سرمایه‌های موجود و کاهش انگیزه پس‌انداز، دچار نوسان و تزلزل بوده است (شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶: ۶۱).

نارسایی موجود در قوانین و مقررات ایران، باعث شده است که سرمایه‌گذاران، چشم‌انداز روشنی از سرمایه‌گذاری خود نداشته باشند؛ از جمله این مشکلات می‌توان به برخی اصول قانون اساسی به‌ویژه اصول ۸۱، ۴۴ و ۱۴۹ اشاره کرد که در این اصول، سرمایه‌گذاری خارجی به روشنی بیان نشده است. در قانون کار، جایگاه کارگر و کارفرما به‌طور واضح مشخص نیست و کارفرما از داشتن آزادی عمل نسبت به حقوق مالکیت و اعطای امتیازات بی‌بهره می‌باشد. همچنین نظام مالیاتی ایران، به‌شبهه‌ای است که انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را در سرمایه‌گذاران تقلیل می‌دهد و به‌عنوان یک مانع سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌شود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷).

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز بر روند توسعه تأثیر بنیادی داشت. بخش صنعت در طول جنگ کاملاً فرسوده شده بود و بسیاری از کارخانه‌ها، خط تولید خود را به کالاهای جنگی تغییر داده بودند و حالا مجدداً باید به دوران پیش

از جنگ بازگردند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۴). آنچه پس از جنگ در سال ۱۳۶۷ به‌جا ماند، اقتصادی با زیان‌دهی مؤسسات و کارخانجات دولتی، کمبود نیروی متخصص و گرانی مواد اولیه به دلیل تحریم بود. دولت بر اثر مشکلات ناشی از هزینه‌های سنگین جنگ، پرداخت‌های یارانه‌ای و افزایش بی‌رویه جمعیت، ورشکست شده و ناچار به بازنگری در سیاست‌هایش پرداخت (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹). سیاست‌ها و برنامه‌های حاکم بر بخش صنعت کشور، بیشتر دنباله‌رو سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته بوده است و یا به‌منظور پاسخ‌گویی به شرایط اضطراری (وقوع جنگ، تحریم و...) طراحی و اجرا شده است (شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶: ۶۱). علاوه بر موارد اشاره‌شده، رقابت‌های جناحی و اختلافات ایدئولوژیک باعث دست‌کشیدن از بسیاری از سیاست‌ها یا تغییر اساسی آن‌ها گردید (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۰). مهم‌ترین موانع صنعتی شدن ایران را می‌توان با توجه اختلال هنجاری، در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۲. موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال هنجاری

معرف	فراوانی	درصد در این اختلال	درصد از کل
اقدامات رضاشاه (حذف زمین‌داران، محدودکردن دامنه فعالیت بورژوازی، وابستگی صنعت به دولت، و جبری بودن آن‌ها)	۱	۳/۶	۱/۲۵
شبه‌استعماری بودن ایران در دوران گذشته	۱	۳/۶	۱/۲۵
ساختار ناکارآمد و بوروکراسی سنگین و رانت و فساد دولتی	۷	۲۵	۸/۹
استبدادی بودن حکومت‌ها	۳	۱۰/۷	۳/۸
مشکلات و مسائل قانونی	۴	۱۴/۳	۵
جنگ ۸ ساله ایران و عراق	۴	۱۴/۳	۵
تحریم‌های صورت‌گرفته علیه ایران	۳	۱۰/۷	۳/۸
رقابت‌های جناحی	۱	۳/۶	۱/۲۵
عدم عضویت ایران در سازمان‌های معتبر جهانی	۳	۱۰/۷	۳/۸
نداشتن برنامه کارآمد بلندمدت	۱	۳/۶	۱/۲۵
جمع	۲۸	۱۰۰	۳۵/۳

اختلال توزیعی

بعد از اصلاحات ارضی و حذف مالکان بزرگ که از سال ۱۳۴۱ آغاز شده بود، سیاست‌گذاری‌ها به صنعتی‌شدن با تکیه بر بخش خصوصی و تقویت این بخش معطوف شد. از دیگر ویژگی‌های صنایع بزرگ در دوره پهلوی دوم، افزون بر وابستگی به خارج، مصرفی بودن و پیوند نداشتن با دیگر بخش‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی، خدماتی و آموزشی، تمرکز در تهران، اشتغال‌زایی ناچیز، نامتناسب بودن تولید در مقایسه با ظرفیت و غیرصادراتی بودن تولید بوده است (رزاقی، ۱۳۷۲: ۷۹).

پس از انقلاب اسلامی، با سه قانون ملی‌شدن بانک‌ها، قانون حفاظت از صنایع و قانون تجارت خارجی، اقتصاد کشور دولتی شد و موج ملی‌شدن بسیاری از صنایع منجر به حضور گسترده بخش عمومی در بازارهای صنعتی کشور گردید (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱۷). فعالان اقتصادی مدرن که تحت تأثیر برنامه خصوصی‌سازی قبل انقلاب رشد کرده بودند، در روزهای پراشتعالی انقلاب با برچسب وابستگی به رژیم گذشته مورد تعرض و تهدید قرار گرفتند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۵). ایجاد نقاط وتوی نهادی در قوانین بنیادی کشور جهت تثبیت نقش دولت در اقتصاد، در کنار مصدوره‌های گسترده در دهه اول انقلاب، فقدان نظام قضایی کارآمد و نبود دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، برای حقوق مالکیت و تعهدات قابل اعتماد جایی نگذاشت و راه را برای ایجاد مجموعه‌ای از نهادها که منافع گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ را بازتولید می‌کردند، گشود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

پس از جنگ و با توجه به مشکلات اقتصادی که به وجود آمد، برای تغییر مسیر و تعیین خصوصی‌سازی به‌عنوان وسیله‌ای برای نجات از بحران فراهم کرد، اما درحالی‌که مدیریت خصوصی‌سازی باید از نهادها و گروه‌های ذی‌نفع در اجرای واگذاری مستقل باشد، این امر در شرکت‌های دولتی و بخش عمومی مرکب از برخی دستگاه‌های مهم و واگذارکننده سهام صورت پذیرفت که سبب شد کسب درآمد، فروش شرکت‌های خاص به گروه‌های خاص و ... به‌عنوان اهداف واقعی اجرای سیاست خصوصی‌سازی تجلی پیدا کند (منجدب، و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۵). وجود ساختارهای ناکارآمد، بوروکراسی سنگین و غیرقابل اعتماد، تضعیف نهادهای برنامه‌ریزی پولی، بانکی، تغییرات گسترده مدیران اجرایی کشور و اختلال در مناسبات بین‌المللی موجب تضعیف ظرفیت و کیفیت سیاست‌گذاری شده و فضای سیاست‌گذاری شده و فضای سیاست‌گذاری بخش خصوصی را از طریق وخیم‌تر کردن محیط کسب‌وکار نامساعد کرد و بازدارنده تشخیص داده شده است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

پس از انقلاب و بعد از تحریم ایران توسط آمریکا، مؤسسات معتبر دنیا ایران را تأیید نمی‌کردند. دولت برای عبور از بحران اقتصادی پس از دو جنگ دو کار انجام داد: استفاده از منابع خارجی و افزایش درآمدهای نفتی. در بخش صنعت، حمایت بی‌چون‌وچرا از صنایع داخلی باعث شده که بنگاه‌های تولیدکننده محصولات صنعتی با نگرش درون‌گرا فقط به فکر

تولید برای مصرف‌کننده داخل کشور بوده و توان رقابت‌پذیری خود را از دست بدهند (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱۶). بنابراین صنعتی شدن در ایران وارد دور بسته‌ای شد که از هر کجا شروع کنید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به دولت می‌رسد (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

گسترش تعاونی‌ها، راه سوم برای توسعه صنعت است. مشکلات شرکت‌های تعاونی تولیدی، غالباً در مراحل اولیه تشکیل شرکت بروز می‌کند و در اغلب موارد تعیین گروه‌های افرادی که اقدام به تأسیس چنین شرکت‌هایی می‌کنند، از نیروی تشکیلاتی خبره نبوده و روح اشتراک مساعی در بین آنان چندان نیست. مشکل دیگر، مسأله سرمایه و سرمایه‌گذاری است. اعضاء این شرکت‌ها، اغلب از لحاظ مادی غنی نیستند و کم‌تر می‌توانند با روی هم‌گذاشتن سرمایه اندک خویش به تشکیل شرکت مطلوب بپردازند. همچنین شرکت‌های تعاونی در برابر شرکت‌های خصوصی که از لحاظ سرمایه غنی‌تر می‌باشند، موقعیت نامساعدتری دارند. این امر سبب کاهش قدرت تولیدی می‌گردد. از آنجایی که افراد عضو تعاونی، هم سرمایه‌گذار بوده و هم کارکن می‌باشند، برخوردهایی نیز از این‌منظر پیش می‌آید. شرکت‌های تعاونی در برابر نوسانات بازار، انعطاف کم‌تری دارند. چنین شرکت‌هایی در مقابل پیشرفت‌های صنعتی و فنی انعطاف کم‌تری دارند (هلم، ۱۳۷۲: ۵۵-۵۳).

استراتژی توسعه صنعتی در خاورمیانه و علی‌الخصوص در ایران، عمدتاً از الگوی جایگزینی واردات پیروی کرده است. از دلایل اصلی فقدان توسعه صنعتی در خاورمیانه آن بود که نه بازار و نه عرضه مواد اولیه برای صنایع چندان وجود نداشت و درواقع تنها می‌توانستند برای مصرف داخلی تولید کنند که این امر نیز به علت هزینه بالای تولیدی، صرفه نداشت. فاسد و ناکارآمد بودن سیاست‌مداران از دیگر دلایل عدم توسعه صنعت در این منطقه بود (عیسوی، ۱۹۸۰). بعد از گذشت ۴ دهه از انقلاب اسلامی ایران، علی‌رغم اجراشدن برنامه توسعه، مقایسه شاخص سهم صادرات صنعتی از کل صادرات در اقتصادهای شرق آسیا و ایران، نشان می‌دهد که شکاف عمیقی میان صنعتی‌شدن ایران و کشورهای شرق آسیا وجود دارد. چنانکه این شاخص در دهه ۱۹۹۰ در شرق آسیا ۷۲/۳ درصد اما در ایران ۶/۷ درصد بوده است (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۳). اعتقاد غالب این بود که دولت باید منابع را در جهتی سوق دهد که هر آنچه از خارج وارد می‌شود، در داخل تولید گردد. این استراتژی، چیزی فراتر از جایگزینی واردات برای صنعتی‌شدن است؛ زیرا به مزیت‌های نسبی یا اندازه بازار داخلی توجه ندارد و نه تنها انگیزه‌ای برای رقابت ایجاد نمی‌کند، بلکه به دلیل فقدان ظرفیت خط‌مشی‌گذاری از تخصیص رانتهایی حمایت می‌کند که با تغییر قواعد نهادی، سبب تقویت نهادهایی می‌شود که برای پیشبرد برنامه توسعه صنعتی و افزایش قابلیت‌های رقابتی ناکارآمد هستند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳). عملکرد صادرات کشور به‌نحوی بوده است که صادرات صنعتی، متناسب با نیازهای اقتصادی کشور، توسعه نیافته است و صادرات غیرنفتی همچنان به محصولات و

کالاهایی که به طور سنتی و طی قرون گذشته بازارهای معین و نسبتاً مطمئنی را در سطح جهانی دارا بوده‌اند، متکی باقی مانده است (شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶: ۶۳).

از دیگر موانعی که در برابر تولید و صادرات صنعتی وجود دارد این است که سیستم اقتصادی ایران به گونه‌ای سازمان‌دهی شده که از فرآیند تولید و صدور محصولات، اعم از صنعتی و سنتی، حداکثر ارزش افزوده نصیب کسانی می‌شود که سهمی در تولید ندارند. این موضوع از یک سو موجب می‌شود درآمدهای حاصله به طور عمومی صرف کالاهای غیرضروری شود و از سوی دیگر موجب می‌گردد تولیدکنندگان از منابع کافی برای افزایش ظرفیت‌های تولید، نوین‌سازی واحدهای تولیدی، انجام تحقیق و توسعه در جهت نوآوری و افزایش بهره‌وری محروم شوند؛ لذا فرآیند عقب‌ماندگی صنعتی ایجاد شود.

با بررسی دوره‌های شکل‌گیری صنایع کشور، با توجه به تقسیم‌بندی برمبنای اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها، این نتیجه حاصل می‌شود که بین مجموعه صنایع کشور، پیوندهای لازم برقرار نمی‌باشد. توسعه بخش صنعت کشور با استفاده از الگوهای رشد وارداتی و با هدف هم‌رایی اقتصاد ایران با اقتصاد جهان سرمایه‌داری صورت گرفته که درنهایت به‌چنین ساختار نامناسبی انجامیده است. صنایع کشور فاقد ارتباط درونی با یکدیگر و با سایر بخش‌های اقتصادی می‌باشند.

وابستگی به یک درآمد خاص (مثلاً نفت)، تأثیرات خود را بر مقیاس دولت، درجه تمرکزگرایی و تمرکززدایی، انسجام اداری، نوع سازمان‌های برگزیده شده، الگوهای سیاست‌گذاری و حتی تصاویر نمادین آن می‌گذارد. از آنجاکه درآمد نفت در اختیار دولت است، تصمیمات اساسی درباره تخصیص، از طریق حوزه سیاست و نه تعامل دولت با گروه‌های خارج از خود اتخاذ می‌شود. این الگوی تخصیص منابع، بخش خصوصی، طبقه متوسط و نیروی کار وابسته‌ای به وجود می‌آورد که فلسفه وجودی‌شان حفظ وضع موجود و درنهایت عدم توسعه صنعت است.

صنعت در ایران در دهه ۱۳۵۰، به‌رغم موفقیتی که در پرتو آمار نشان داده می‌شود، با مشکلات جدی مواجه بود؛ زیرا منبع اصلی تأمین انباشت سرمایه، رشد چشم‌گیر درآمدهای نفتی بود که مستقل از پویایی‌ها و تبادلات درون ساختار اجتماعی و اقتصادی کسب شد؛ بنابراین فرآیند صنعتی شدن با توسعه سطح قابلیت‌های دولت برای سیاست‌گذاری و اجرا همراه نبود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳). رشد پایدار صنعت ایران نمی‌تواند با تزریق درآمدهای نفتی به بخش صنعت تحقق یابد. این بخش به‌رغم برخورداری از دلارهای نفتی، نتایج رضایت‌بخشی در بر نداشته و حتی نرخ رشد آن در دو دهه گذشته روند کاهشی نیز داشته است (شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶: ۶۱). بررسی تاریخی رشد صنعتی ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ملی، از درآمدهای نفتی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تبعیت می‌کند. این درآمدها از سه طریق رشد صنعتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند: ابتدا از طریق منعکس شدن تراز پرداخت‌ها، درآمد ملی را افزایش می‌دهد؛ دوم بخش اعظم بودجه

دولت از محل این درآمدها تأمین می‌شود و سوم با تزریق درآمدهای نفتی در اقتصاد از طریق تأمین مالی برای مصرف و سرمایه‌گذاری، موجب افزایش تقاضا می‌گردد (شرکاء و همکاران، ۱۳۷۶: ۶۲).

در کشورهای در حال توسعه، از جمله در ایران، صنایع کوچک و متوسط عامل راهبردی برای توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و رقابت‌پذیری صنایع هستند. این در حالی است که در ایران با وجودی که بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، به دلیل نداشتن استراتژی توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و رها کردن واحدهای تولیدی به حال خود، این بنگاه‌ها نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده داشته باشند و از کمبودهای شدیدی در رنج هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: فقدان مقیاس‌های لازم از جنبه‌های مختلف سرمایه؛ فقدان محیط‌های مناسب کسب و کار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی؛ فقدان زیرساخت‌های نرم‌افزاری و تشکیلاتی؛ تولید با فناوری کهنه و عدم دسترسی به فناوری‌های نوین؛ فقدان ارتباط منسجم با شبکه‌های بانکی و مالی کشور؛ فقدان شبکه‌های همکاری میان‌بنگاهی و عدم شناخت بازارهای هدف (بافنده‌زنده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). بنگاه‌های بخش خصوصی در صنایع کوچک و متوسط به خصوص در صنوف تولیدی اغلب از قابلیت حفظ بازارهای داخلی به خصوص ورود به بازارهای جهانی به دلایل مقابل ناتوان هستند: فقدان حمایت و پشتیبانی منظم و همه‌جانبه؛ ناتوانی در تولید انبوه؛ فقدان مهارت نیروی انسانی؛ نداشتن استاندارد مشخص و معین در تولیدات مختلف؛ بی‌بهره بودن از امکانات مهندسی و تحقیق و توسعه و در نتیجه عقب‌ماندگی از اقتصاد جهانی؛ فقدان سیستم‌های بازاریابی و فروش و مهارت‌های لازم در جهت حضور در عرصه‌های جهانی؛ گسسته بودن زنجیره ارتباط بین صنوف تولیدی صنایع بزرگ و در نهایت صنایع و شرکت‌های بین‌المللی (بافنده‌زنده و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

جدول زیر نشان‌دهنده مهم‌ترین موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال توزیعی است.

جدول ۳. موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال توزیعی

معرف	فراوانی	درصد در این اختلال	درصد از کل
عدم انباشت سرمایه	۲	۵/۴	۲/۵
نبود و کمبود و نامناسب بودن تکنولوژی	۴	۱۰/۸	۵

معرف	فراوانی	درصد در این اختلال	درصد از کل
مدیریت ضعیف واحدها و شرکتها	۲	۵/۴	۲/۵
مشکلات خصوصی سازی (حضور گسترده دولت در اقتصاد؛ حذف فعالان اقتصادی مدرن و مصادره گسترده شرکتها در اوایل انقلاب؛ خصوصی سازی بی برنامه و ناموجه)	۶	۱۶/۲	۷/۶
ضعف برنامه های پولی و بانکی	۲	۵/۴	۲/۵
نامناسب بودن محیط کسب و کار	۲	۵/۴	۲/۵
مشکلات موجود بر سر راه تعاونی ها (نداشتن نیروی خیره؛ مسأله سرمایه گذاری؛ انعطاف پذیری اندک و ...)	۱	۲/۷	۱/۲۵
مشکلات صادرات (توان رقابت پذیری اندک صنایع ایران در سطح جهان؛ تولید برای مصرف داخل؛ سیاست جایگزینی واردات؛ مشکلات قانونی مثل مالیات های سنگین، انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی اندک؛ اختلاف نرخ بهره؛ دگرگونی قیمت های داخلی؛ متضرر شدن تولیدکننده در صورت صادرات)	۸	۲۱/۷	۱۰
بازدارنده بودن تجارت بین الملل در رشد و توسعه صنعتی	۱	۲/۷	۱/۲۵
وابستگی به درآمد نفت	۴	۱۰/۸	۵
مشکلات صنایع کوچک (عدم توجه به واحدهای تولیدی؛ نداشتن سرمایه کافی؛ گسسته بودن ارتباط با صنایع بزرگ؛ مشکلات قانونی)	۴	۱۰/۸	۵
متناسب نبودن صنایع با نیازهای بومی	۱	۲/۷	۱/۲۵
جمع	۳۷	۱۰۰	۴۶/۳۵

اختلال رابطه‌ای

در غرب با پیدایش نظام سرمایه‌داری، تحولی در جامعه ایجاد گردید. افزایش مهارت و نظم در کار، پذیرفتن مسؤلیت در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را دربرگرفت، نقش فرد در حوزه عمل خویش را مشخص ساخت و انتظار اجتماعی را در قبال نقش بر عهده گرفته، بالا برد و زمینه مشارکت عموم در سرنوشت خویش و دموکراسی را فزونی داد (فیوضات، ۱۳۷۰: ۱۰۷) اما این تغییرات در ایران کم‌تر مشاهده می‌شد.

یکی از پیش‌نیازهای توسعه صنعت، وجود سیستم حمل‌ونقلی مناسب و کافی است. در ایران اساساً مقوله‌ای به اسم حمل‌ونقل وجود نداشت. حتی اوایل قرن بیستم، حمل‌ونقل در ایران به استفاده از حیوانات چهارپا خلاصه می‌شد؛ درحالی‌که در اروپایی که ایرانیان می‌دیدند تنها هزاران کیلومتر خط‌آهن وجود داشت. صنایع در ایران تا اواسط قرن نوزدهم پا به عرصه وجود نگذاشته بود که بتوان آن را با صنایع اروپایی مقایسه نمود. تا هنگامی که امیرکبیر مدرسه دارالفنون را تأسیس نمود، در ایران خبری از علوم پایه جدید نبود. وضعیت سیاسی ایران و اروپا نیز قابل مقایسه با یکدیگر نبود. درحالی‌که بسیاری از کشورهای اروپایی مجالس، احزاب و جریان‌های سیاسی، تشکیلات و اتحادیه‌های صنفی بخش قابل توجهی از قدرت سیاسی را تشکیل داده و مطبوعات آزادانه عملکرد حکومت و رجال سیاسی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند، ولی در ایران قدرت در دست یک فرد به نام شاه خلاصه می‌گردید و اوامر و خواسته‌های ملوکانه بی‌چون‌وچرای وی به اجرا درآمده و حکم قانون داشت، نه حزبی وجود داشت، نه روزنامه‌ای، نه قانونی، نه امنیت سیاسی و اجتماعی، نه تشکیلات و نیروی صنفی. کل ایران از مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی تشکیل می‌شد که همگی خودکفا بوده و کم‌تر ارتباطی با یکدیگر، اعم از تجاری یا غیر آن داشتند. نه مبادله کالای چندانی بین این واحدهای منفک صورت می‌گرفت و نه اضافه تولید یک واحد راهی بازارهای دیگر می‌شد؛ نه شبکه اقتصاد ملی چندانی وجود داشت و نه اثری از گردش پول، کالا، سرمایه و خدمات به چشم می‌خورد. ایران قرن نوزدهم، در یک کلام بیشتر شباهت به یک روستای دورافتاده اما بزرگ داشت که نام کدخدای آن پادشاه بود (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۰). در جدول زیر، مهم‌ترین موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال رابطه‌ای مشاهده می‌شود.

جدول ۴. موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال رابطه‌ای

معرف	فراوانی	درصد در این اختلال	درصد در کل
نهادهای اجتماعی و ضعف‌های آن	۲	۲۲	۲/۵

فرا تحلیل موانع اجتماعی صنعتی شدن ایران (بررسی مطالعات صورت‌گرفته بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵)

مهدی جلالی، پریسا شکوری دوم

۱/۲۵	۱۱	۱	نبود سیستم حمل و نقلی مناسب
۱/۲۵	۱۱	۱	کم بودن سرمایه اجتماعی
۲/۵	۲۲	۲	افزایش جمعیت
۳/۸	۳۴	۳	مسائل مربوط به نیروی کار (کم کاری، کاهلی، کمبود مهارت و...)
۱۱/۳	۱۰۰	۹	جمع

اختلال نمادی

رابطه صنعت، جامعه و فرهنگ یک سویه نیست. اگر صنعت به منزله موتور پیش برنده اقتصاد دانسته شود، این موتور نیروی خود را از جامعه و فرهنگ می گیرد (حمزئی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). توسعه در جایی رخ می دهد که نهادهای اجتماعی آن ظرفیت توسعه پذیری را داشته باشند (رهبری، ۱۳۷۹: ۵۶). راز و رمز توسعه کشورهای کم تر توسعه یافته در لایه های فرهنگی اجتماعی این کشورها پنهان است (امین، ۱۳۸۹: ۱۱).

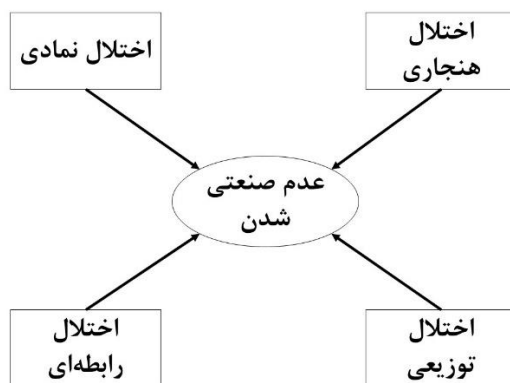
جامعه غربی، ظهور افراد خلاق را تشویق می کرد (فیوضات، ۱۳۷۰: ۱۰۸) که این امر در ایران کم تر دیده می شود. انسان در برابر تغییر آنچه که بدان عادت کرده و خو گرفته مقاومت نشان می دهد؛ چون بریدن از علایق، ارزش ها و عادت ها دشوار است. به همین جهت، مدت طولانی زمان می برد تا در مسائلی که با موانع فرهنگی روبه روست، تغییری ایجاد گردد (رهبری، ۱۳۷۹: ۶۲). دلیل ناتوانی در توسعه را باید در زمینه عدم کارآیی عوامل تولید از جمله نیروی کار (کم کاری، کاهلی و عدم مسؤولیت)، ارزش کار (گاهی در ایران کار کردن یک ضد ارزش محسوب و شانه خالی کردن از کار یک ارزش تلقی می گردد) سرمایه، تکنولوژی و مدیریت جست و جو کرد. همچنین باید فرهنگ ثروت اندوزی بر جامعه حاکم شود (رهبری، ۱۳۷۹: ۶۷).

جدول زیر نشان دهنده مهم ترین موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال نمادی است.

جدول ۵. موانع صنعتی شدن ایران با توجه به اختلال نمادی

معرف	فراوانی	درصد در این اختلال	درصد در کل
مذهب و موانع بازدارنده آن	۲	۴۰	۲/۵
لایه‌های فرهنگی نامناسب	۱	۲۰	۱/۲۵
ارزش‌گذاری منفی فرهنگ در رابطه با کار و صنعت	۱	۲۰	۱/۲۵
عدم تشویق خلاقیت	۱	۲۰	۱/۲۵
جمع	۵	۱۰۰	۶/۲۵

براساس چارچوب نظری تحقیق و همچنین یافته‌های تحقیق، مدل نظری تحقیق به شکل زیر ترسیم گردید.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

نتیجه‌گیری

فرا تحلیل موانع اجتماعی صنعتی شدن ایران (بررسی مطالعات صورت‌گرفته بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵)

مهدی جلالی، پریسا شکوری دوم

صنعتی‌شدن مسأله‌ای حیاتی برای کشورها است؛ زیرا با رشد صنعت، نتایج حاصل می‌شود که خیر عمومی را در پی دارد. به‌رغم تلاش‌هایی که برخی از ایرانیان برای صنعتی‌شدن انجام داده‌اند، این کشور نتوانسته جایگاه لازم را در بین کشورهای صنعتی پیدا کند. هرکدام از اندیشمندان حوزه‌های مختلف، دلایل بسیاری برای این مسأله ذکر کرده‌اند. تحقیق فعلی با هدف بررسی تحقیقاتی که در زمینه موانع اجتماعی صنعتی‌شدن ایران صورت پذیرفته بود، انجام شد.

چلبی، از اختلال‌های اجتماعی نام می‌برد که نظم اجتماعی را به‌خطر می‌اندازند. به‌وجود آمدن اختلال اجتماعی، بر وضعیت صنعتی‌شدن کشور نیز اثر می‌گذارد. یافته‌ها بیان‌گر آن بودند که اختلال توزیعی و بعد از آن اختلال هنجاری، بیشترین تأثیر را بر عدم رشد صنعت در ایران داشته‌اند. اختلال رابطه‌ای و اختلال نمادی نیز در رده‌های بعدی بودند. یافته‌های تحقیق نشان داد که اختلال هنجاری مانند استبدادی بودن حکومت‌ها، ساختار ناکارآمد و بوروکراسی سنگین و رانت و فساد دولتی، جنگ ایران و عراق و تحریم‌های صورت‌گرفته علیه ایران، موجب خلأ هنجاری، ناپایداری هنجاری و گاهی تضاد هنجاری شده و این امر آنومی اجتماعی را سبب گشته و در نتیجه مانع صنعتی‌شدن ایران شده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که اختلال توزیعی از جمله خصوصی‌سازی ناقص، مشکلات صادرات، نبود، کمبود و نامناسب بودن تکنولوژی، وابستگی به درآمد نفت و نامناسب بودن محیط کسب‌وکار سبب ایجاد انواع نابرابری‌ها گشته و مانعی برای صنعتی‌شدن ایران شده است. اختلال رابطه‌ای مانند ضعف نهادهای اجتماعی، پایین بودن سرمایه اجتماعی و برخی مسائل مربوط به کارگران سبب چگالی پایین روابط اجتماعی و همچنین تنوع پایین گره‌ها و موجودیت‌ها شده و از این طریق مانعی بر سر راه صنعتی‌شدن ایران بوده است. اختلال نمادی نیز از طریق برخی بازدارندگی‌های مذهبی، لایه‌های فرهنگی نامناسب، عدم تشویق خلاقیت و ارزش‌گذاری منفی فرهنگ در رابطه با کار و صنعت، باعث ضعف در احساسات، پنداشت‌ها، رموز و اصول مشترک شده و بدین صورت سبب ایجاد مانع بر سر راه صنعتی‌شدن ایران گشته است.

در شرایطی که مؤسسات اقتصادی زیان‌ده، موجب هدر دادن منابع دولت می‌شوند، خصوصی‌سازی به‌عنوان بهترین جواب به مشکلات این شرکت‌ها می‌تواند عمل کند. خصوصی‌سازی بر امنیت حقوق مالکیت، پایداری سیاسی و اطمینان از فایده‌مندی معامله تأکید دارد. شرایط نامساعد اقتصاد ملی، فرصتی برای کاهش تعهدات دولت فراهم می‌کند و نیروی دولت را برای مقاومت در برابر مطالبات گوناگون گروه‌های اجتماعی بیشتر می‌کند. دولت می‌تواند از بحران مالی به بهترین نحو برای کاستن از تعهدات اجتماعی و جدا شدن از بنگاه‌های زیان‌ده استفاده کند. خصوصی‌سازی مستلزم جلب اعتماد بازبگران خارج از دولت در سطح ملی و فراملی است و یکی از الزامات آن، اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های دولت می‌باشد تا گروه‌های مدنظر اطمینان یابند هزینه‌های ناشی از اجرای ناکارآمد، باعث خسارت به سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها نمی‌شود. دولت می‌تواند برای افزایش کارایی ساختارهای اداری و کاهش هزینه‌های اجرا، ملاک‌های بوروکراسی وبری از جمله

شایسته‌سالاری را در دستور کار قرار دهد و مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری را با تکیه بر دانش روز مدیریت، در مؤسسات عمومی پیاده کند.

مشکلات موجود در زمینه صادرات از دیگر مواردی بود که در اختلال توزیعی مورد تأکید محققان قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان دو راهبرد را برای توسعه صنعت ذکر می‌کنند: جایگزینی واردات و توسعه صادرات. تجارت خارجی کشور در بخش صنعت، یک‌سویگر بوده و عمدتاً توجه به واردات و راهبرد جایگزینی واردات، آن هم به صورت ناقص و غیرکارا، مدنظر بوده است و توجه مؤثر و پویایی به گسترش صادرات صنعتی نشده است. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به حل مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال، افزایش تولیدات و کاهش تورم، برقراری ارتباط با اقتصاد جهانی، گسترش بازارهای صادراتی و بهبود تراز پرداخت‌ها و پیشرفت در زمینه تحقیق و توسعه به کشور میزبان کمک کند. جلب سرمایه به ساختار اقتصادی ویژه‌ای نیازمند است که در برابر اقتصادهای دیگر توان لازم برای رقابت داشته باشد؛ ویژگی‌هایی مانند رشد بازار، درآمد سرانه، چشم‌انداز سود، دسترسی به بازار، ثبات سیاسی و اجتماعی، کیفیت نیروی کار، فضای قانونی و چگونگی مقررات، دسترسی به منابع، هزینه‌های تولید، دسترسی به فناوری، دسترسی به مواد اولیه و... . پیش‌شرط جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم آوردن فضای جذاب و مناسب است اما لازمه آن، کسب حداکثر بهره‌وری، تداوم و تثبیت این سرمایه‌گذاری‌هاست که تنها با ارائه خدمات باکیفیت و ایجاد امنیت در فضای کلان اقتصادی و سیاسی توسط دولت امکان‌پذیر می‌شود. دولت به لطف ظرفیت‌هایی که در سیاست‌گذاری، اجرا و کسب منابع از جامعه به دست می‌آورد، می‌تواند شرایط مساعد بین‌المللی را به فرصتی مناسب برای خود تبدیل نماید.

توجه به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط، از دیگر موضوعات مهم اشاره‌شده در تحقیقات مورد بررسی می‌باشد که مورد تأکید قرار گرفته است. واحدهای تولیدی صنعتی کوچک و متوسط در بیشتر کشورها، نقش اساسی در تأمین اشتغال، گسترش زیرساخت‌های مناسب برای نوآوری، کارآفرینی و خلاقیت و همچنین توسعه صادرات و حضور در بازارهای جهانی دارند. تحولات اخیر از جمله فشارهای جمعیتی، نوآوری‌های لحظه‌به‌لحظه، پیچیده‌تر شدن فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری، نیاز به تصمیم‌گیری‌های آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت این بنگاه‌ها را روشن ساخته است. صنایع کوچک و متوسط کانون اصلی توسعه، فناوری و تأمین نیازهای پیچیده و پیشرفته کشورها به حساب می‌آیند و حمایت‌های گسترده‌ای توسط مدیران از آن‌ها به عمل می‌آید. تحولات دنیای پُرشتاب کنونی در عرصه‌های علمی و فنی و چالش‌های پی‌درپی نظام اقتصادی-اجتماعی، کاهش ذخایر زیرزمینی، افزایش فقر و بیکاری، موجبات توجه عمیق‌تر سیاست‌گذاران را به توسعه کسب‌وکارهای کوچک معطوف کرده است.

قابلیت‌های توسعه و حرکت سرمایه انسانی ماهر و آغاز ریسک‌پذیری از بنگاه‌های خارجی آغاز می‌شود. دولت به‌علت درآمدهای نفتی، مرکز انباشت سرمایه است و حضور در سیاست ذی‌نفوذ بودن در آن، سود اقتصادی را تضمین می‌کند؛ بنابراین معیارهای عملکردی برای حمایت از صنایع وجود ندارد و فقدان رقابت سبب می‌شود انگیزه‌ای برای کسب سود با استفاده از افزایش کارایی و بهره‌وری ایجاد نشود. مسیر طی‌شده، گروه‌های سازمان‌یافته‌ای را ایجاد می‌کند که منافع آن‌ها وابسته به عملیات استاندارد موجود و بازتولید درآمدها و رانت‌هاست. این گروه در مقابل تغییر مقاومت می‌کند؛ بنابراین ظرفیت دولت در اجرا نیز رو به زوال می‌رود و سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرای پروژه توسعه صنعتی ناموفق باقی می‌ماند. درآمد نفت عیناً مثل آن است که رود بزرگی به سمتی سرازیر کند که از یک طرف آبادی و رفاه می‌آورد و از طرف دیگر با کم‌ترین غفلتی ممکن است همه چیز را محو و نابود کند. بنابراین از دیگر سیاست‌هایی که دولت برای صنعتی‌شدن باید اتخاذ کند، یافتن جایگزین‌هایی برای درآمدهای نفتی است. در آخر می‌توان گفت که موانع موجود بر سر راه صنعتی‌شدن ایران، موضوعاتی نیستند که به یک‌باره حل شوند. این موانع، مسائلی زیربنایی و بنیادینی هستند که نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت و تغییراتی اساسی در ساختار دارند.

منابع

امین، سمیر؛ (۱۳۸۹)؛ اروپامداری؛ نظریه فرهنگی سرمایه‌داری مدرن؛ ترجمه موسی عنبری؛ تهران: نشر علم.

بافنده‌زنده، علیرضا و بیرامی حاجیلاری، امیر؛ (۱۳۹۴)؛ بررسی موانع پیاده‌سازی خوشه‌های صنعتی در استان آذربایجان شرقی؛ مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛ سال دهم؛ شماره ۳۱؛ بهار ۱۳۹۴: ۱-۱۴.

توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت.

توکلی، نیره؛ (۱۳۹۰)؛ جامعه‌شناسی صنعتی، نشر دانشگاه پیام نور.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

حمزئی، مجید؛ شایان، حمید و بوزرجمهری، خدیجه؛ (۱۳۹۳)؛ ارزیابی اثرات اجتماعی شهرک‌های صنعتی بر نواحی روستایی؛ مورد: شهرک صنعتی خیام نیشابوری؛ فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳: ۱۶۳-۱۴۹. خسروی‌زاده، حسن؛ (۱۳۸۱)؛ روند صنعتی‌شدن کشور و نقش مهندسی؛ مجله اقتصاد انرژی؛ شماره ۴۱: ۲۲-۲۵. خلیلی، محسن؛ (۱۳۸۵)؛ تبیین جریان صنعتی‌شدن در جهان صنعتی؛ مجله کار و جامعه؛ شماره ۷۴-۷۳: ۳۵-۴۰. رزاقی، ابراهیم؛ (۱۳۷۲)؛ ۷ دهه به دنبال صنعتی‌شدن؛ ارائه‌شده در سمینار نقش و جایگاه صنایع کوچک در توسعه ایران؛ سیمای اقتصادی؛ شماره ۷۵ و ۷۶.

رهبری، مهدی؛ (۱۳۷۹)؛ موانع فرهنگی توسعه اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای صنعتی جهان؛ مجله کار و جامعه؛ شماره ۳۴: ۸۴-۵۳.

زیباکلام، صادق؛ (۱۳۸۲)؛ ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی ایران؛ تهران: انتشارات روزنه.

شرکاء، حمیدرضا و صفوی، بیژن؛ (۱۳۷۶)؛ بررسی رشد صنعتی ایران: راهبرد توسعه صادرات؛ پژوهش‌نامه بازرگانی؛ شماره ۳: ۵۵-۸۰.

عابدی جعفری، حسن؛ طاهرپور، حبیب‌الله؛ زرنندی، سعید؛ آقازاده ده‌ده، فتاح (۱۳۹۸) شناسایی عوامل فردی موثر بر تمایل به فساد اداری در شهرداری تهران، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال ۸، شماره ۱: ۴۹-۷۴.

عزیزخانی، اقباله؛ ایرانی کلور، اصغر؛ یحیی‌زاده، مریم (۱۳۹۳) بررسی موانع سیاسی صنعتی‌شدن ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان دوره پهلوی اول، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۴۳: ۱۴۶-۱۲۶.

عمادزاده، محمدکاظم؛ عبادزاده، محمدعلی و برجی دولت‌آباد، ابراهیم؛ (۱۳۸۶)؛ موانع حقوقی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۲۳۴-۲۳۳: ۱۶۷-۱۵۴.

- عیسوی، چارلز؛ (۱۹۸۰)؛ صنعت‌زدایی و صنعتی‌شدن مجدد؛ ترجمه پرویز پیران؛ مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه؛ جلد ۱۲؛ شماره ۴: ۱۰-۱۲.
- فاضلی، محمد؛ (۱۳۸۹)؛ بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی: تجربه دموکراسی در ایران؛ ترکیه و کره جنوبی؛ تهران: نشر کندوکاو.
- فاضلی، محمد و محمودیان، معصومه؛ (۱۳۹۵)؛ تحول نقش دولت در صنعتی‌شدن؛ بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی؛ دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه؛ سال پنجم؛ شماره اول؛ بهار و تابستان ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۱۵.
- فیوضات، ابراهیم؛ (۱۳۷۰)؛ فرآیند صنعتی‌شدن و ایجاد نظم علمی؛ نامه علوم اجتماعی، شماره ۲: ۱۰۵-۱۱۲.
- کاکاوند، زهرا و بهمنی‌فر، آذر؛ (۱۳۸۵)؛ موانع داخلی سرمایه‌گذاری خارجی؛ نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ شماره ۹: ۲۶-۲۹.
- کشاوریان پیوستی، اکبر و عظیمی چنقزق، علی؛ (۱۳۸۷)؛ بررسی موانع نهادی سرمایه‌گذاری صنعتی؛ مطالعه موردی استان آذربایجان غربی؛ مجله اقتصادی-ماه‌نامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی؛ شماره‌های ۸۱ و ۸۲: ۱۰۴-۶۹.
- کیویستو، پیر (۱۳۸۶) اندیشه‌های بنیادین در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- میرزایی، حسین؛ غفاری، غلامرضا و کریمی، علیرضا؛ (۱۳۸۹)؛ توانمندسازی؛ صنعتی‌شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان قروه)؛ پژوهش‌های روستایی؛ شماره ۴: ۱۲۸-۹۹.
- منجدب، محمدرضا؛ محمدی، حسین و حسینی سهی، عباس؛ (۱۳۹۰)؛ کارکرد دولت و بازار در فرآیند رشد اقتصادی ایران؛ پژوهش‌نامه اقتصادی؛ شماره ۲۲: ۱۶۰-۱۲۳.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۶) رویارویی با تجدد، تهران: نشر علم.
- نیلی؛ مسعود و همکاران؛ (۱۳۸۲)؛ خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور؛ دانشگاه صنعتی شریف؛ تهران: مؤسسات انتشارات علمی.
- وکیل‌الرایا، یونس و دانایی، ابوالفضل؛ (۱۳۸۳)؛ موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و راهکارهای مناسب برای جذب آن؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۲۱۰-۲۰۹: ۱۸۷-۱۸۲.
- هلم، فرانس؛ (۱۳۷۲)؛ راه سوم برای صنعتی‌شدن؛ کتاب اقتصاد مؤسسات تعاونی؛ ترجمه محمدعلی خنجی؛ مجله تعاون؛ شماره ۲۲: ۵۱-۵۵.
- هیویت، تام؛ وایلد، دیو؛ جانسون، هیزل (۱۳۷۷) صنعتی‌شدن و توسعه، ترجمه طاهره قادری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.



Akbari Ghamsari, Amir, (2013) Determinanten industrieller Entwicklung: ein Vergleich zwischen Deutschland und dem Iran, Ph.D thesis, Haburg university.

Turner, Jonathan H. (1997). The Institutional Order. Economy, Kinship, Religion, Polity, Law, and Education in Evolutionary and Comparative Perspective. Longman, New York.

Meta-analysis of social obstacles to Iran's industrialization (review of the study between 1991 to 2016)

Mehdi Jalali*¹, Parisa Shakouri²

Date Received:

20 Dec 2025

Date Accepted:

21 Feb 2026

Keywords:

development;
industrialization;
Meta-analysis;
Iran; Economic
and political
structure

Abstract

Despite the efforts made for industrialization in Iran, it has not been able to become an industrialized country. Research conducted in this field can reveal the obstacles to Iran's industrial growth and provide solutions to overcome them. According to this, the purpose of this research was to review the researches that have been done in this field. In order to achieve this goal, 22 articles related to the research topic were selected and analyzed using the meta-analysis method. The findings showed that the distribution disorder and then the normative disorder were the biggest obstacles to growth of the industry in Iran. Also, the problems that stand in the way of privatization, export problems and the inefficiency of the government were some of the things that were emphasized a lot. These obstacles are fundamental issues that require long-term planning and fundamental changes in the political and economic structure of the country.

¹ PhD in sociology of Iranian social issues, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. mahdi_jalali_aze@yahoo.com

² Master's degree in School Counseling, Azad University, Tabriz, Iran. parisashakouri76@gmail.com